ف ۱۰ه
م

میکروفیلم تهیه شد

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب منهج الصادقین ج ۱ فارسی

مصنف ملا فتح الله کاشانی

مؤلف

خطی نسخ ۱۹ سطری . آیات شنگرف . کاغذ آهاری نخودی . جلد تیماج عنابی ضربی کهنه

چاپی

سال ~~چاپ~~ یا تحریر سده ۱۱ هـ ق عدد اوراق ۴۲۹

جزء کتب تفسیر شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۹۴۴۸ شماره قبض

واقف سید هادی خسروشاهی تاریخ وقف شهریور ۱۳۷۴

طول ۳۷ عرض ۲۲ شماره صفحات

حديث من عرف نفسه فقد عرف ربه اقول قد خطر ببالي وجوه اثني عشر في بيان
معنى الحديث وقد ذكر العلماء بعضها الاول لما حركت النفس البدن والروح الجسد لزم من
معرفة ذلك معرفة ان للعالم مدبراً او السكون بحركها فمعرفة النفس من جملة الادلة الموصلة
الى معرفة الرب الثاني ان من عرف ان نفسه واحدة وانها لو كانت ثنتين لامكن التعارض
والممانعة عرف ان الرب واحد ولو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا الثالث من عرف
ان النفس تحرك الجسد بارادتها علم ان الله لابد للعالم من محرك مختار للقطع بوجوب كمال الخالق
وتنزهه عن النقص وللعلم بامتناع الحركة والتاثير ممن عدمت نفسه وفارقت بدنه الى تبع
الرابع من عرف انه لا يخفى على النفس احوال الجسد علم انه لا يعزب عن الباري مثقال ذرة
في الارض ولا في السماء ولامتناع علم المخلوق وجهل الخالق تعالى الخامس من
عرف ان النفس ليست الى شيء من الجسد اقرب منها الى شيء علم ان نسبة الا
شياء الى قدرة الله وعلمه على السواء السادس من عرف ان النفس موجودة
قبل البدن باقية بعده عرف ان ربه كان موجوداً قبل المخلوقات وهو باق بعدها
لم يزل ولا يزال السابع من عرف ان نفسه لا يعرف كنه ذاتها وحقيقتها عرف
ان ربه كذلك بطريق الاولى الثامن من عرف ان نفسه لا يعرف لها
مكان ولا يعلم لها اينية عرف ان ربه منزه عن المكان والاينية بطريق التاسع
من عرف ان النفس لا تحس ولا تدرك بالحواس الظاهرة بل تدرك بالعقل عرف
ان الله سبحانه كذلك العاشر ان من عرف نفسه علم انها امارة بالسوء فاشتغل
بمجاهدتها وبعبادة ربه ومن عبد الله واطاعه كانت معرفته صحيحة ومن عصاه
فكانه لم يعرفه اذ لم ينتفع بمعرفته فهو اسوء حالا ممن لم يعرفه فكانه قال من
عرف نفسه جاهدها وعبد ربه ومن عبده فقد عرف حق المعرفة وحصل له
ثمرة العلم به وهذا مما خطر بخاطري ولم يذكره احد فيما اعلم الحادي عشر
من عرف نفسه بصفات النقص عرف ربه بصفات الكمال اذ النقص
دل على الحدوث فيلزم ملازمه الكمال للقدم الثاني عشر انه علق محالا
على محال اي كما لا يمكن معرفة حقيقة النفس كذلك لا يمكن معرفة حقيقة
الرب فيجب ان يوصف بما وصف نفسه تعالى والله اعلم

هذا کتاب
منهج الصادقین
در تفسیر القرآن

بسم الله الرحمن الرحیم تیمنا بذکره الموفق الکریم وبه نستعین

حمدی چون کلمات ربانی بی غایت ستایش لطیفیست که از محض لطف ابدی بواسطهٔ وجود باجود احدی
بندگان را از بادیهٔ ضلالت کفران بر حد هدایت ایمان رسانید وشکر مانند معانی قرآنی بینهایت
سزاوار کریمیست که از کمال کرامت ازلی وعین عنایت لم یزلی بوسیلهٔ نور فرقانی انسان را از ظلمتکدهٔ جهالت
بضیای فضای معرفت راه نموده او را اشرف مخلوقات گردانید ودرود نامعدود در خور فصیحیست که
از وجه فصاحت تبیان وجوه قرآن وبیان معانی فرقان نمود وصلوات نامحدود لایق بلیغیست که از روی
بلاغت کشف مجملات وتفسیر متشابهات آن فرمود وتسلیمات غیر متناهی وتحیات بلا تناهی بر آل اطهار
وعترة ابرار او باد که هریك از ایشان بنص الهی کشاف اصول دین متین ومبین فروع شرع مبین بودند وبتایید
سبحانی جامع آیات طاهره وآداب محکمه سید المرسلین صلوة دائمة ما بقیت اثار السموات والارضین

اما بعد بر اذهان صافیه وافکار زاکیه مخفی نیست که علمی که مثمر سعادة اخرویه ومصلح امور
دنیویه است علم قرآن است چه آن مأخذ اصول شریعة مصطفویه است ومصدر فروع ملة نبویه است که عمل
بآن سبب رستکاری دینی وعقبی است چنانکه باسانید صحیحه مرفوع بامام الهدی ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه
وعلی آبائه الصلوة والثنا وارد شده که آنحضرت که از آبای کرام خود نقل فرموده که سید عالم صلی الله علیه
وآله وسلم فرموده که طلب علم شریعة فرضست بر هر که بسمت اسلام متسمست پس طلب علم کنید از مظان
آن واقتباس آن نمایید از اهل آن چه تعلم برای رضای الهی حسنه است وطلب آن عبادتست ومذاکرهٔ آن
تسبیح است وعمل بآن جهاد وتعلیم آن صدقه وبذل آن باهل آن موجب قربت ووسیلهٔ فوز وکرامت زیرا که علم

٣

شرع معالم حلال وحرام است ومنار سبیل جنت ومونس او در وحشت ومصاحب در غربت ووحدت و
محدث در خلوت ودلیل بر سرا وضرا وسلاح بر اعدا وسبب زینت نزد اخلا وحق تعالی حاملان این علم را رفیع
القدر گردانیده وایشان را ائمهٔ هدی ساخته تا بدیگران آثار ایشان را اقتباس نمایند وبافعال ایشان
اقتدا کنند وبارای ایشان اهتدا نمایند وملائکه مقربین راغب اند در خلة ایشان وباجنحهٔ
خود مسح ایشان میکنند وآنرا منبسط میسازند تا طلبهٔ علم شریعت پایهای خود را بر آنجا نهاده بربالای
آن بگذرند ودر نمازهر خیر وبرکه ایشان را از حق تعالی در میخواهند وهر رطب ویابس که هست حتی ماهیان دریا
ووحوش وسباع صحرا وانعام از برای ایشان استغفار میکنند وبدانید ای اصحاب که علم شرع حیوة
قلوبست از جهالة وضیای ابصار از ظلمت وقوت ابدان از ضعف ومبلغ حامل خود بمنازل اخیار ومجالس
ابرار ودرجات علی در دنیا وعقبا ومجادله کردن بآن معادل صیام است ومدارسهٔ آن مساوی قیام
ودلیل وبوسیلهٔ آن بنده مطیع پروردگار خود میگردد وبآن محافظت صلهٔ ارحام مینمایند وبحلال وحرام
عارف میشود چه علم امام ومقتدای عملست وعمل تابع ومقتدی آن حقتعالی آنرا الهام سعدا میکند و
اشقیا را از آن محروم میگرداند خوشاحال کسی که حق تعالی او را از آن محروم نگردانده ووای بر آنکس که از این سعادت
محروم ماند واز امیر المؤمنین وسید الوصیین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه مرویست که ظاهر قرآن انیقست و
باطن آن عمیق وعجایب آن فانی نمیشود وغرائب آن منقضی نمیگردد واز سعد بن قتاده روایتست که مراد بحکمه
در کریمهٔ ومن یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا علم قرآنست وعبد الله بن مسعود از رسول صلی الله علیه وآله روایت
کرده که هرکاه ارادهٔ علمی کنید باید که اختیار علم قرآن کنید که علم اولین وآخرین در و مضمرست وجابر بن جنوه
روایت کند که روزی من با پدر خود نزد معاذ جبل رفتیم گفت ای جنوه این پسر کیست گفتم این پسر منست گفت
علم قرآن را باو تعلیم کرده گفت نه گفت او را علم قرآن بیاموز که من از رسول خدای صلی الله علیه وآله شنیدم که میفرمود
هیچکس فرزند خود را تعلیم علم قرآن نکند مگر که روز قیامت پدر ومادر او متوج شوند بتاج ملکه

او را بانتها مرتبه میرسد که میان اهل بهشت و دوزخ حکم کند و جابر روایت کرده هر که یکروز مرابطه کند در راه خدای تعالی میان او و دوزخ
هفت خندق پدید آید فراخی هر یک چند برابر هفت آسمان و زمین باشد ابو سلمه گفته که این آیه وقتی آمد که خدای تعالی جهاد نفرموده بود و از
امیر المؤمنین علیه السلام و جابر بن عبد الله و ابو سلمة بن عبد الرحمن مرویست که مراد برباط انتظار صلوة است بعد از صلوتی و ابو هریره روایت
کرده که از رسول خدای صلی الله علیه و آله پرسیدند که افضل اعمال کدام است فرمود اسباغ الوضوء علی المکاره و کثرة الخطوات الی المساجد
و انتظار الصلوة بعد الصلوة فذلکم الرباط وضو تمام کردن در مکاره و بسیار قدم نهادن در مساجد و انتظار نماز بعد از نماز رابطه آست
هر که بدینها عمل کند گناهان او سترده شود و درجات او رفیع گرداند **واتقوا الله** بترسید از خدای و پرهیزکاری کنید از معاصی او و با
تبری نمائید از ما سوای او **لعلکم تفلحون** شاید که شما رستکار شوید که آن وصول است بحضرة اله یا بید آنچه غایة فلاح است
بنیل مقامات ثلث که آن مرتبه صبر است بر مضض طاعات و مصابرت نفس در رفض عادات و رابطه سر بر جناب حق بجهة ترصد و ربست
که این مراتب مشعر اند بشریعت و طریقت و حقیقت محققان گفته اند صبر کنید بر مجاهده نفوس بنهی از هوی و امر بطاعت مولی و مصابره
و باشید بر مراقبه قلوب مع الله تعالی بر بلا و رضا بجریان قضا و اقدام نمائید بر مرابطه ارواح بوصول بحق و انقطاع از ما سوی و تقوی
و رسید بمحافظت اسرار ... اغیار تا باز رسته شوید از حجب وجود بفناء فی الله و فایز گردید بعد از فناء بدولت بقاء الله
از جنید نقل کرده اند که اصبروا ... جوارحکم علی الطاعة و صابروا بقلوبکم مع الله و رابطوا باسرارکم سبیل الشوق و المحبة و باز
خبر اوست که اصبروا بالله و صابروا مع الله و رابطوا اسرارکم بالحقایق لعلکم تجردون عن حجوبکم و خطواتکم و در احادیث
قدسیه آمده که اصبروا علی بلائی و صابروا علی نعمائی و رابطوا فی دار اعدائی و اتقوا محبة سوائی لعلکم تفلحون تم المجلد الاول
من تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین بمنه وجوده فالان وقت الشروع فی المجلد الثانی بمنه و توفیقه و لطفه سورة النساء

۱۳۲۱